

## پیشگفتار

هر دانش، برای آنکه بر بنیان محکمی استوار گردد، باید پیش از هر چیز، مبادی و اصول خود را به صورت دقیق و منظم و علمی، تنظیم و تدوین کند و در دسترس دانش پژوهان و جویندگان قرار دهد. در حقیقت، گذر از مراحل پیچیده و دشوار علم، مستلزم راه یافتن به مبانی آن علم است که با شیوه‌های منظم و صحیح، بتواند ذهن کنجکاو پژوهنده مبتدی را از مراحل اولیه عبور دهد و به قله‌های دانش و افق‌های دوردست هدایت کند. در واقع، دشوارترین مرحله دستیابی به هر علم (حتی خواندن و نوشتن)، مرحله ورود به آن است. به همین دلیل، در بیشتر رشته‌های علمی، بخش مهمی از نیروی استادان و متخصصان و مربیان تربیتی، صرف تهیه و تنظیم مقدمات و تدارک اصول و مبانی می‌شود تا انتقال آن را به دانش پژوهان تسهیل کند و امکان درک صحیح و منطقی آن فراهم شود.

جامعه‌شناسی - که هدفش مطالعه و شناخت علمی زندگی اجتماعی انسانها و فهم رفتارها و پیوندهای گروهی است - در چند دهه گذشته، از وسعت زمینه و اقبال فراوانی برخوردار بوده است، به گونه‌ای که اکنون، علاوه بر دانشجویان رشته‌های خاص علوم اجتماعی (از جمله جامعه‌شناسی)، دانش پژوهان دیگر رشته‌های علوم انسانی، مانند حقوق، مدیریت، اقتصاد، تاریخ و غیره، و حتی شعبه‌های گوناگون رشته‌های فنی و پزشکی و نیز پژوهندگان دیگری که بیرون از محیط‌های دانشگاهی به فهم عمیق و علمی مسائل اجتماعی علاقه‌مندند، به این دانش رو آورده‌اند. اینان پیش از هر چیز، به دنبال کلید این علم و در جستجوی منبع یا منابعی هستند که بتواند اولاً، فهم و درک مطالب این رشته را بر آنها آسان کند و آنان را با مبادی و اصول این دانش، به صورت موجز، دقیق و در عین حال جامع، آشنا کند، ثانیاً، ابهام‌هایی را که شیوه طرح مسائل و ذهن نقاد دانشجو اغلب با آن روبه‌روست برطرف، و علاقه آنان را به شیوه‌های صحیح تحلیل علمی جلب کند.

شاید به همین دلیل، همگام با توسعه جامعه‌شناسی و رشته‌ها و شعبه‌های گوناگون پیوسته به آن، کتابها و آثار بی‌شماری با نام اصول و مبانی و مقدمات جامعه‌شناسی، هر روز تألیف یا ترجمه و منتشر می‌شود. البته هر یک از این کتابها با وجود مزایا و ویژگیهای مفید آن، نقایص و نارساییهایی نیز دارد که تا حدی اجتناب‌ناپذیر است و نشان‌دهنده راه کمالی است که هر علم، به ضرورت، می‌پیماید. در ایران، اگرچه انتشار روزافزون این کتابها تلاش پیگیر و مستمر صاحب‌نظران و مترجمان را نشان می‌دهد، منعکس‌کننده عطش سیری‌ناپذیر و انتظارها و توقعهای بالایی است که دانش‌پژوهان از این رشته دارند. بدیهی است این تلاشها هرگز متوقف نمی‌شود و روشها و ابتکارهای تازه‌ای که هر روز در گوشه و کنار جهان و در کشور خود ما بر صاحب‌نظران این علم آشکار می‌شود و با آخرین رده‌آورد‌های آموزشی و علمی و فنی همگام و منطبق است، به بازار جویندگان دانش عرضه می‌شود و هر کس با توجه به علایق و نیازهای خود، از آن بهره می‌گیرد.

در کتاب حاضر، سبک جدید و طرح تازه‌ای در ارائه و تفهیم مبانی و اصول رشته‌های مختلف علمی، از جمله جامعه‌شناسی، تنظیم و عرضه شده است. کتاب مبانی جامعه‌شناسی، بر اساس مجموعه‌ای از مبانی طراحی شده است که بسیاری از رشته‌های عمومی، از آن جمله مبانی رشته‌های حسابداری، اقتصاد، بازرگانی، زیست‌شناسی، کامپیوتر، آموزش و پرورش، روان‌شناسی، فیزیک، مهندسی، الکترونیک و مهندسی برق، زبان انگلیسی و دیگر زبانهای خارجی و ریاضیات و آمار و مانند آن را در بر می‌گیرد که در هر یک از رشته‌های یاد شده، چندین کتاب تاکنون منتشر شده و در این میان، کتاب مبانی جامعه‌شناسی، به لحاظ نحوه تنظیم و ارائه مطالب، به صورت یک اثر منحصر به فرد در آمده است. مؤلف، که خود از استادان کارآزموده و دانشگاهی است، به دور از بحثهای نظری طولانی و مطالب حاشیه‌ای، موضوعات را به‌طور منظم و موجز و در حداقل صفحات و در بخشهای معینی تنظیم کرده است، به گونه‌ای که خواننده، با مراجعه به مثالها و پرسشها و پاسخها، با مفاهیم دقیق و آشکار این دانش، بر طبق نظم خاصی آشنا شود و بتواند پاسخ پرسشهای بی‌شماری را که در هر مبحث ذهن او را به خود مشغول می‌کند، در پایان همان مبحث بیابد.

در حقیقت، علاوه بر آنکه هر فصل، به صورت منظم و منطقی، با مطالب به هم پیوسته و قسمتهای مستقل شماره گذاری شده، ذکر مثالهایی از جامعه کنونی و زندگی روزمره، بر روشنی مطالب افزوده است. هر فصل را علاوه بر مطالب سازمان یافته، تمرینها، پرسش و پاسخ و مفاهیم و اصطلاحات تکمیل می کند.

در پایان هر فصل، ده تمرین - با پاسخهای چهارجوابی - همراه با کلید پاسخهای صحیح آمده است که دانش خواننده را می آزماید. پس از آن، حدود سی پرسش اساسی درباره موضوع بحث، همه زوایای آن مبحث را بار دیگر مطرح کرده و پس از هر پرسش، پاسخ جامع آن توضیح داده شده است، به گونه ای که پس از طرح سؤال، در صورتی که موضوع مورد بحث، در ذهن دانشجو نارسا یا مبهم مانده باشد، با مراجعه به پاسخ، جواب دقیق و کامل آن را خواهد یافت.

سرانجام، اصطلاحات و واژه های هر فصل - که خود کلید درک مطلب آن فصل است - به طور جداگانه توضیح داده شده است. به این ترتیب، نحوه تنظیم مطالب، ضمن برانگیختن دقت و فهم دانشجو، او را به خوبی با مبانی علم جامعه شناسی آشنا می کند.

لازم به یادآوری است که ضمن حفظ اصالت ترجمه و دنبال کردن طرح نظری آن، برای آنکه مطالب برای دانشجوی ایرانی بیشتر مفهوم باشد، سعی کرده ایم به جای مثالهایی که از جامعه امریکا گرفته شده، نمونه و مثالهایی را از جامعه خود یا از کشورهای جهان سوم برگزینیم و عرضه کنیم.

شایان ذکر است که در هر چاپ مجدد این کتاب بازنگریهایی در آن صورت می گیرد. در چاپ جدید دو فصل دیگر به کتاب اضافه شده است: «نهاد آموزش و پرورش» و «تندرستی و مراقبت بهداشتی» امید است توانسته باشیم کتابی را که برای واحدهای درسی جامعه شناسی، برای کلیه رشته های دانشگاهی مفید و مؤثر است به خوانندگان عرضه کنیم، تا راه را بر دانش پژوهان این رشته، تا حدی هموار سازد.

غلامعباس توسلی - رضا فاضل

## مقدمه مؤلف

### علوم اجتماعی چیست و چه کاربردی دارد؟

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، انسان از ابتدای حیات خود به صورت گروهی و دسته‌جمعی زندگی می‌کرده است. حتی انسان غارنشین و بشری که در قلب جنگلها یا در جزایر دورافتاده زندگی می‌کرده، در هر زمان و مکانی که نشانی از او هست، انسان اجتماعی بوده است و در واقع، کمتر می‌توان انسان را جدا و مستقل از جامعه ملاحظه و بررسی کرد یا زندگی صرفاً فردی برای او قائل شد. گذشته از بقایای جسمانی موجودات (مانند اسکلتها و فسیلها)، تمامی آثاری که از گذشته انسان برجای مانده، آثار گروهی و جمعی است یا تحت تأثیر نیازها و مناسبات اجتماعی او ساخته و پرداخته شده است، چنان‌که هنرها و دست‌افزارها و مجموعه‌های تمدن و فرهنگ و آثار دیگر انسانی چنین است.

این پرسش که آیا حالت اجتماعی برای انسان جنبه ذاتی و طبیعی دارد یا پاره‌ای از نیازها نظیر دفاع دسته‌جمعی در برابر دشمنان یا احتیاجات متقابل انسانها موجب زندگی دسته‌جمعی و گروهی شده است، در اصل مسئله‌ای است که تأیید زندگی جمعی و گروهی و حالت اجتماعی انسان است، تغییری نخواهد داد.

محدودترین جمع انسانی خانواده است که از زوج (زن و مرد) و فرزندان آنها تشکیل می‌شود و این نخستین هسته یک جامعه طبیعی کوچک است که گاه به «گروه نخستین» تعبیر می‌شود و یک جامعه ساده و اولیه را تشکیل می‌دهد. در جوامع ابتدایی که امروز به این نام شناخته می‌شود، خانواده گسترده با نظم و طبقه‌بندی خاصی سازمان یافته، یک جامعه کوچک را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از موارد، با علامت خاص مذهبی خود، یک کلان را به وجود می‌آورد.

صورتی از این نوع سازمان را می‌توان با زندگی عشیره‌ای برخی قبایل که روابط و مناسبات خاص و شجره‌النسب معین دارند مشابه دانست. در درون هر یک از این گروه‌ها، نه فقط مناسبات و روابط خانوادگی و خویشاوندی متفاوت است، بلکه رفتارها، سنتها، اخلاق، رسوم، اعمال و حرکات نیز بسیار متنوع و پیچیده می‌شود به طوری که بررسی و شناخت و بحث درباره آنها، رشته‌های خاص علوم اجتماعی، مانند مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهد.

بررسی تحول حیات اجتماعی انسان در طول تاریخ در جوامع مختلف، و روابط خاصی که در تاریخ هر جامعه شکل گرفته، و دگرگونیهای به وجود آمده در جوامع، و نیز آثار و نتایج حاصل از زندگی دسته‌جمعی که نظامهای اجتماعی مختلفی را به وجود آورده است، موضوع علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت، موضوع علوم اجتماعی، شناخت علمی پدیده‌های اجتماعی است که در زمانی کم‌وبیش طولانی شکل گرفته است و پدیده‌های اجتماعی، حول محور انسان اجتماعی و ویژگیهای آن دور می‌زند.

### ویژگیهای انسان اجتماعی

شاید بتوان ادعا کرد که بسیاری از انواع جانوران و حتی حشرات نیز دارای زندگی گروهی‌اند، سازمان اجتماعی خاصی دارند و دارای ویژگیهای اجتماعی مخصوص به خود هستند: شکلی از خانواده، رهبری، اطاعت، حمایت، دفاع دسته‌جمعی، شکار، تغذیه، نگهداری و ذخیره مواد و حفظ نوع، به صورت اجتماعی، در میان آنها دیده می‌شود. زندگی اجتماعی حشراتی مانند مورچه، موریانه و زنبور عسل، به صورت شگفت‌انگیزی سازمان یافته است، یا رفتارهای اجتماعی نوعی سگ آبی و برخی از میمونها به صورت یک سازمان کامل اجتماعی نمایان می‌شود.<sup>۱</sup> با این همه، زندگی اجتماعی انسان ویژگیهایی دارد که آن را به کلی از زندگی جمعی

۱. برای پی بردن به شگفتیهای زندگی جمعی برخی حشرات، به کتب مورچه و موریانه موریس مترلینک مراجعه کنید.

حیوانات متمایز و مشخص می‌کند:

۱. زندگی اجتماعی حیوانات، حالت و شکل کم‌وبیش پایدار و ثابتی را نشان می‌دهد و تغییرات آن - در صورت وجود - اندک و نامحسوس است؛ به عبارت دیگر، زندگی اجتماعی حیوانات خالی از ابتکار و خلاقیت است و نسلی بعد از نسل دیگر، به همان صورت ثابت و پایدار که نزد پدران ملاحظه شده است تکرار می‌شود (مثلاً، نحوه لانه‌سازی زنبور عسل و مورچه، از گذشته دور تا به حال تغییر نکرده است).

۲. این زندگی اجتماعی حیوانی، تابع محیط خارج و خصوصیات آن است و جامعه حیوانات کمتر می‌تواند برحسب نیازها در محیط خود تغییری ایجاد کند، بلکه به عکس، به هنگام نیاز، از محیطی به محیط دیگر می‌رود. انسان در عین حال که از محیط خود متأثر می‌شود و عوامل بیرونی بر روی نحوه معیشت و زندگی اجتماعی (و فردی) او تأثیر می‌گذارد، در همه حال سعی می‌کند بر اساس نیازهای خود در محیط طبیعی (و به طریق اولی در محیط اجتماعی) تغییر و دگرگونی ایجاد کند و هر کجا قدم می‌گذارد، آثار تازه انسانی از خود بر جای می‌گذارد.

جانوران برخلاف انسان، کمتر می‌توانند خود را با «موقعیتهای غیرمنتظره» که به تفکر و استدلال نیازمند است منطبق سازند. همچنین پیش‌بینیهای درازمدت و مرتبط ساختن گذشته، حال و آینده با یکدیگر، از ویژگیهای حیات اجتماعی انسان است، در حالی که واکنشهای حیوانی در برابر عوامل ناشناخته و جدید، عمدتاً غریزی و تکراری است. انسان در برابر این‌گونه عوامل، قدرت ابتکار فوق‌العاده‌ای دارد و عکس‌العملهای خود را بر حسب موقعیتهای تغییر می‌دهد.

۳. از وجوه تمایز حیات انسان، قدرت جمع‌کردن و تراکم اطلاعات و تجربیات در طول تاریخ است؛ به این معنی که جامعه بشری در هر زمان و مکانی سعی می‌کند آنچه از نسلهای گذشته به ارث برده است حفظ و نگهداری کند و حتی در طول حیات نسل زنده آن را کامل‌تر ساخته، تجربیات تازه خود را بر آن بیفزاید و آن را به نسلهای بعد بسپارد. بدیهی است زمان و آموزش و پرورش و دانشها، خاصه

کتب و آثار باقیمانده از انسان، بر این تراکم تجربیات تأثیر بسزایی داشته است. یکی از بارزترین آثار و نشانه‌های آن، تکامل ابزار و آلاتی مانند ابزار و آلات شکار، جنگ‌افزارها، وسایل زندگی، حمل‌ونقل و غیره است که در آغاز حیات اجتماعی انسان بسیار ساده بوده، به تدریج تکمیل شده و در نهایت، به صورت فنون کاملاً پیچیده و ظریفی در آمده است. به علاوه، ابداعات فکری و هنری و نیز کمال یافته جامعه، روابط تازه‌ای را در جامعه انسانی به وجود آورده است.

مجموعه فنون و هنرها و ساخته‌های دست بشری و آثار دیگری که فکر و رفتار نوع انسان را نشان می‌دهد، به صورت یک نظام کامل و همه‌جانبه جلوه‌گر می‌شود که تحت عنوان فرهنگ تعریف می‌شود. از این دیدگاه می‌توان گفت یکی از ویژگیهای نوع انسان، داشتن فرهنگ است که در هیچ اجتماع حیوانی نمی‌توان نظیر آن را ملاحظه کرد.

فرهنگ به یک معنی، شامل کلیه آثار مادی و معنوی است که در جوامع بشری بروز و ظهور کرده، در طول تاریخ انسان به وجود آمده و باقی مانده است. به علاوه، فرهنگ نه فقط سازمان اجتماعی جوامع را می‌سازد، بلکه بر کلیه اعمال و رفتارهای هر جامعه نظارت دارد. سطح فرهنگ هر جامعه مستقیماً با پیشرفت علوم و فنون و دانشها و حیات دینی و معنوی جوامع بشری در ارتباط است.

می‌توان تمایزات و ویژگیهای دیگری نیز برای اجتماعات انسانی جستجو کرد؛ مثلاً، روابط خویشاوندی و سلسله‌مراتب قدرت، ارزشهای معنوی و اخلاقی، روابط حقوقی، سازمان حکومتی، دین، ملیت و غیره، اما همین توضیحات کافی است تا نشان دهد که تا چه حد جامعه بشری از هر جهت ممتاز و مشخص است و می‌توان گفت زندگی اجتماعی به این معنی، خاص نوع انسان است و تکامل و پیچیدگیهای آن تا حد زیادی به بررسی و مطالعه خاص نیازمند است.

مجموعه شناختهایی که به زندگی و روابط اجتماعی انسانها مربوط می‌شود در قلمرو علم الاجتماع یا علوم اجتماعی قرار می‌گیرد.

### تعریف و حدود دانش اجتماعی

از مقدمه یاد شده باید چنین استنباط کرد که گرچه همه افراد در جامعه زندگی می‌کنند و در فعالیتهای اجتماعی شریک و سهیم‌اند، اما نمی‌توانند به‌سادگی و به‌طور مستقیم به حقایق اجتماعی پی ببرند. روابط اجتماعی و سازمانها به‌تدریج پیچیده‌گشته، به طوری که درک و فهم آن به بررسی و مطالعه خاص نیازمند است؛ به عبارت دیگر، همچنان‌که پدیده‌های طبیعی موضوع علوم طبیعی است، پدیده‌های اجتماعی نیز موضوع علوم اجتماعی است که باید درباره آن مطالعه و تحقیق کرد.

### تقسیم‌بندی علوم

معمولاً از نظر موضوع، علوم بشری را به سه گروه عمده تقسیم می‌کنند:

۱. علوم مادی (غیر ارگانیک)، مانند فیزیک و زمین‌شناسی و غیره که درباره مواد بی‌جان مطالعه می‌کند. این علوم از روشهای پیشرفته‌ای استفاده می‌کند و نتیجه مطالعات آن دقیق و کنترل شدنی است.
۲. علوم حیاتی (ارگانیک)، مثل زیست‌شناسی که موضوع آن موجودات جاندار است. گرچه روشهای این دسته از علوم به دقت گروه اول نیست، علوم حیاتی نیز پیشرفت فراوانی کرده است.
۳. علوم اجتماعی (یا فوق ارگانیک)، مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، دانشهای دینی و غیره که خاص انسان و پدیده‌های وابسته به زندگی اجتماعی انسانهاست. این دسته قلمرو خاصی را به وجود می‌آورد که گرچه پیشرفت علمی در آن به اندازه دسته اول و دوم نیست، همواره در حال پیشرفت بوده و تکامل یافته است. گرچه هیچ‌یک از علوم سه‌گانه یاد شده، به‌طور مطلق مستقل نیست، علوم اجتماعی از نسبیّت بیشتری برخوردار است؛ یعنی در بسیاری از موارد در علوم اجتماعی نمی‌توان به یک قانون قطعی و کلی و کامل رسید؛ بنابراین، باید روشهای خاصی را برای مطالعه و تحقیق انتخاب کرد و کاربرد و احتمال و نسبیّت را همواره



در نظر داشت. باید توجه داشت که نظریات و قوانینی که در این رشته از علوم طرح می شود هنوز به اندازه کافی کلیت ندارد و شرایط زمانی و مکانی و احتمالات بر آن تأثیر می گذارد. به علاوه، بسیاری از قانونهای اجتماعی را جز در مورد جامعه معین نمی توان صادق دانست. به طور کلی، اوضاع و عوامل زمانی و مکانی بر علوم اجتماعی بیش از علوم دیگر تأثیر می گذارد و آن را محدود می سازد و نمی توان قوانین ثابتی از آن استخراج کرد؛ مثلاً یک جامعه تحت استعمار افریقایی را در قرن ۱۹، با یک اجتماع صنعتی اروپای امروز نمی توان مقایسه کرد.

### شاخه های مختلف علوم اجتماعی

گرچه از عمر علوم اجتماعی مدت زیادی نمی گذرد و بیشتر این علوم در یک قرن اخیر پایه گذاری شده و رشد کرده است، به دلیل احتیاج شدید جوامع معاصر به علوم اجتماعی، این دانش گسترش فراوانی پیدا کرده و رشته های مختلفی در آن به وجود آمده است و در هر شعبه، رشته ها و شاخه های فرعی و تحقیقی نیز وجود دارد، به طوری که عصر جدید را عصر انفجار علوم اجتماعی نامیده اند. برای نمونه، چند دسته از این علوم اجتماعی خاص را نام می بریم:

۱. جمعیت شناسی که به شمار جمعیت، وقایع چهارگانه حیات (تولد، ازدواج، طلاق و فوت)، افزایش و کاهش طبیعی جمعیت، مهاجرتها، جابه جایی، رابطه جمعیت و اقتصاد، تحولات جمعیتی و برخی پیش بینیهای جمعیتی می پردازد. این، وجه ظاهری جامعه است که گسترش و ابعاد و فعل و انفعال جمعیت را نشان می دهد.

۲. مردم شناسی که به زندگی اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروههای نژادی و فرهنگی می پردازد، مانند مطالعاتی که در مورد ایلات و عشایر و ساکنین جزایر دورافتاده و اسکیموها به عمل آمده است؛ اما امروزه، مردم شناسی آداب و سنن جوامع شهری را نیز مطالعه می کند و محور آن شناخت فرهنگ است.

۳. انسان شناسی که نوع انسان را صرف نظر از قومیت و نژاد و گروه خاص و

مشخصات عام انسان را در طول تاریخ بررسی می‌کند. انسان‌شناسی، به‌ویژه به مطالعه فرهنگ اقوام و ملل می‌پردازد.

۴. تاریخ اجتماعی که سرگذشت جوامع را از زمانهای دور که انسان نوشتن را آغاز کرده و آثاری از خود برجای نهاده است، بررسی می‌کند.

۵. باستان‌شناسی نیز بر اساس آثار و بقایای انسان، سرگذشت او را در گذشته دورتر مطالعه می‌کند.

۶. جامعه‌شناسی که به بررسی و مطالعه واقعیت‌های اجتماعی و دگرگونیها و تحولاتی که در زندگی اجتماعی انسانها رخ داده و از اصول و قوانین معینی پیروی می‌کند، می‌پردازد. دامنه این علم بسیار گسترده شده و رشته‌های فرعی متعدد، مانند جامعه‌شناسی دینی، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی روستایی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی کار و صنعت از آن به وجود آمده است و در مورد هر کدام تحقیقات و مطالعات فراوانی انجام شده است.

از بین دیگر رشته‌های علوم اجتماعی می‌توان از علوم سیاسی، اقتصاد، جغرافیای انسانی، الهیات، زبان‌شناسی و مدیریت نام برد.

### فایده و کاربرد دانش اجتماعی

جوامع به صورت طبیعی، به تدریج رشد می‌کنند و سازمانها و نهادهای مختلفی در آن به وجود می‌آید، اما جامعه‌شناسی می‌خواهد روابط و مسائل اجتماعی ناشی از آن را بررسی و ارزیابی کند و نسبت به آنچه در جامعه می‌گذرد معرفت کافی و صحیحی پیدا کند. این همان علم به خاطر علم یا دانش بی‌غرضانه است که کسب آن وظیفه هر انسانی است. اما از جامعه‌شناسی انتظار می‌رود که در پرتو شناخت علمی خود به حل مشکلات اجتماعی کمک کند و راههایی برای تسلط انسان بر روابط اجتماعی و بر سازمانها و نهادهایی که در کنترل انسان است بیابد. نه آنکه فقط برای مسائل و مشکلات جامعه بشری راه‌حل جستجو کند، بلکه به پیش‌بینی بپردازد و آینده‌نگری کند و قوانین حاکم بر گذشته اقوام و ملل را در سازمان دادن به

روابط آینده آنها دریابد. در بعضی موارد، روشها و فنون تحقیق دانش اجتماعی به حدی پیشرفت کرده است که با سنجشهای دقیق می‌توان تا حدی به آینده‌نگری پرداخت؛ برای مثال، در مورد چگونگی افزایش یا کاهش جمعیت یا دگرگونیهای که در آرای مردم نسبت به مسائل مختلف به وجود می‌آید (بررسی افکار عمومی در انتخابات) یا فنون تبلیغات بازرگانی یا بهترین طریق اداره کردن یک کارخانه یا نحوه مددکاری اجتماعی در گروههای مختلف و غیره، ولی همه اینها مستلزم تحقیقات طولانی درباره آن مسئله است و احتیاج به اطلاعات همه‌جانبه و کامل دارد.

به هر حال، می‌توان گفت که شناخت کافی، مقدمه دخالت و اظهار نظر صحیح و یافتن راه حل منطقی است، وگرنه کسی با شعور ساده و نبوغ ذاتی ممکن است مسائل را شناسایی کند و راه حل ارائه دهد، بدون اینکه به علم متکی باشد، ولی این راه حلها متناقض و کوتاه‌مدت و موضعی خواهد بود. به علاوه، تحقیق در مورد یک جامعه نه تنها به روشها و فنون شناخته شده نیازمند است، بلکه باید به صورت منظم و جامع انجام گیرد و علل و ریشه‌های موضوع شناخته شود و مناسبات آن با دیگر عوامل اجتماعی تعیین گردد.

داوری افراد عادی در مورد جامعه و مسائل اجتماعی، غالباً ظاهری و گذرا و تا حدی بر احساسات و نظریات شخصی استوار است. می‌توان گفت که قضاوت عامیانه، حقایق اجتماعی را برحسب تمایلات و احساسات و اغراض تعبیر و تفسیر می‌کند و مسائل را آن طور که می‌خواهد می‌بیند نه آن طور که واقعاً هست؛ چنانکه دو فرد که دارای عقاید مختلفی‌اند، درباره یک موضوع معین نظر واحدی ندارند. جامعه‌شناس سعی می‌کند واقعیات اجتماعی را چنانکه هست بررسی کند و به همین دلیل، آسان‌تر می‌تواند به ریشه‌ها و علل و قوانین حاکم بر آن پدیده‌ها دست یابد و احیاناً، راه حل علمی عرضه کند.

در جامعه بعد از انقلاب، هر روز مسائل و دشواریهای فراوانی بروز کرده، هر گروه برحسب عقاید خود راه‌حلها و نظریات خاصی عرضه می‌کند، ولی کمتر به نتیجه قطعی می‌رسد. از یک طرف، نیازهای حیاتی و فوری جامعه مانند

برطرف کردن کمبودهای خوراک و مسکن باید شناخته، و از طریق درست برطرف شود؛ از طرفی، سروکار ما با بیماریهای دوران پس از انقلاب، از قبیل تعدد گروهها، فرقه‌گرایی و ازهم‌پاشیدگی نظام اداری و قضایی و مسائل فرهنگی جزئی و کلی است. هم‌اکنون در جامعه پس از انقلاب هزاران مسئله اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که برای حل آنها باید قبل از هر چیز آنها را شناسایی کرد، همچنین به بررسی عمیق ویژگیها و علتها و عوامل آن پرداخت و در نهایت، راه‌حلهای مناسب و علمی برای آنها ارائه کرد. این کار احتیاج به بینش علمی و روشها و فنونی دارد که به ما در شناخت واقعتهای جامعه کمک کند تا تنها به پاسخهای کلی و ذهنی اکتفا نکنیم.

ما در حال حاضر با مسائل شهری و روستایی گوناگونی مانند حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، بی‌کاری مزمن، توسعه فعالیتهای غیرمطلوب و غیرتولیدی، مسئله گسترش بیش از حد سازمانهای اداری، مشکل رفت‌وآمد، مشکل مسکن، مسئله جوانان در شهرها و غیره، روبه‌رو هستیم که بیشتر این مسائل از جنبه جامعه‌شناختی قابل بررسی و مطالعه است و می‌توان پس از شناخت علمی آنها، راه‌حلهای منطقی و ثمربخشی برای آنها ارائه داد.